

## پلاتفرم سیاسی و ایدئولوژیک چپ در کردستان (بخش چهارم)

از: رضا مصطفی سلطانی

### تغییر و تحولات جنبش کارگری در دوره اخیر

در دهه‌های اول 1900 م مبارزه برای حق رای عمومی، متشکل شدن در اتحادیه‌ها و شکل دادن به افکار عمومی برجسته بود. دموکراسی سیاسی در همکاری نزدیک با لیبراسیم و مقابله شدید با محافظه‌کاران و سرمایه‌داران به اجرا در آمد و حق متشکل شدن به سرمایه دارن تحمیل شد.

دموکراسی امکانات و شیوه‌های جدیدی را در مطرح کردن و به پیش کشیدن خواستها و نیاز کارگران نشان داد که در تئوری کلاسیک قابل پیش بینی نبود. این امکانات و شیوه‌های جدید در جهتی غیر از جهت مطرح شده در تئوری کلاسیک روی ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه تاثیر گذاشت.

حق مالکیت خصوصی ماندگار شد اما در نظم تولیدی سرمایه خصوصی که سودجویی بالاتر از همه نیازمندیهای جامعه قرار دارد، تغییرات تعیین کننده‌ای بوجود آمد. وقتی که در پروسه تولید خواست و نیازهای دیگری در مقابل علایق سرمایه تقویت شد، آرایش و سازمان کار، تقسیم و توزیع حاصل تولید و قدرت به درجه زیادی از صاحبان سرمایه به کارگران متشکل در اتحادیه‌ها، شهروندان متشکل در تشکلهای سیاسی و مدنی، حقوق بگیران و مصرف کننده گان متشکل در شرکتهای تعاونی منتقل شد.

این تغییرات از قانون گذاری، سیاست اقتصادی و قدرت کار اتحادیه‌ای، سیاست با نفوذ محلی در استانداری، شهرداری و کمونها (در هر کشوری تحت نامی)، جنبشهای اجتماعی و احزاب سرچشمه میگرفت که اشکال جدید تحقق دموکراسی را پر بارتر کرد.

این به نوبه خود باعث آزمایش و محک زدن مجدد تئوری شد و نشان داد که دیگر سلب مالکیت ابزار تولید تعیین کننده نیست. بلکه تصمیم گیری دموکراتیک روی اقتصاد تعیین کننده شد. دورنما و چشم انداز دموکراتیک با تاکید روی دخالتگری و همکاری مبنا قرار گرفت. قوانین اجتماعی برای سرمایه گذاری، سیاست اقتصادی، قراردادهای مشترک و جمعی در بازار کار، قانون کار، قانون مصرف کننده‌گان، رشد و گسترش اختیار و نفوذ شرکتهای تعاونی مصرف کننده گان و بخش دولتی قوی بر مبنای مالکیت اجتماعی که در آنجا نیاز انسانها و نه میزان درآمد آنها قاعده اساسی توزیع و تقسیم بود، پایه‌های مادی سیاست دموکراتیک را تشکیل میدادند.

انسانها امکانات دموکراسی را برای افزایش آزادی، امنیت، و عدالت (به نسبت دوره قبل) را با تجارب شخصی خود مشاهده کردند. تجارب در کشورهای شرقی نشان داد که مالکیت صد درصد دولتی درست برعکس نتایج فوق، با ستمگری و عدم آزادی و اختناق، ناامنی و بی عدالتی (نسبت به کشورهای دموکراتیک) ختم شد.

این تجارب، چشم انداز دموکراتیک کردن اقتصاد را تقویت کرد و مجددا ثابت کرد که تصمیم گیری دموکراتیک نقش تعیین کننده دارد و نه حق مالکیت.

اقتصاد دموکراتیک مثل سیاست باید مبتنی بر راه حل‌های باشد که از متمرکز کردن قدرت در چند موسسه محدود جلوگیری کند و بر میزان نفوذ کارگران و مصرف کننده‌گان که مثل شهروندان دیگر امکان تاثیرگذاری روی شرایط اجتماعی تولید را داشته باشند، پافشاری کند.

## برابری

برای فهمیدن علت و ریشه نابرابریها، اختلاف طبقاتی که در اقتصاد جامعه و شیوه تولید و توزیع مایحتاج زندگی بین انسانها ریشه دارد، نقشی اساسی دارد. بنابراین تمام سیاستهای برابری طلب باید مبارزه علیه شکاف طبقاتی را در بر داشته باشند.

اما بحث برابری به وضوح نشان داده است که وجود بالادست و زیردست تنها ناشی از فاکتورهای درون شیوه و مناسبات تولیدی نیست بلکه در بیرون روابط تولیدی نیز فاکتورهایی وجود دارند که مولد بالادست و زیردست در درون انسانهای جامعه هستند.

بنابر این تنها اقدامات علیه نابرابری طبقاتی برای رسیدن به برابری انسانها کافی نیست، بلکه علیه فاکتورهای بیرون از روابط تولیدی که تقویت کننده نابرابری در جامعه هستند نیز باید ایستاد. یکی از مبانی پایه‌ای و سیستماتیک تبعیض جنسی است که بالادست و زیردست را در بین تمام زنان و مردان جامعه (صرفنظر از تعلق طبقاتی) بوجود می آورد که باعث ایجاد و بقای شرایط نابرابر زندگی زنان با مردان در جامعه است. نه تنها در بین طبقات بلکه در درون هر طبقه اجتماعی اعم از سرمایه‌دار یا کارگر شرایط و امکانات زنان از مردان پایینتر است و میزان متوسط درآمد زنان از مردان کمتر است.

زنان در محیط کار با موانع و مشکلات بیشتری روبرو هستند، از جمله حقوق کمتر و امکان رشد و پذیرش مسئولیت کمتر. زنان کماکان مسئولیت بیشتری برای کار خانهداری و مواظبت از بچه و ... را دارند. توقعات شدید و سخت بازار کار بروی خانواده‌هایی که بچه کم سن و سال دارند شرایط و فشار غیر معقولی را بر والدین و بچه‌ها تحمیل میکند. این فشار باعث شده که زنان بین مواظبت از بچه از طرفی و پذیرش شغل و مسئولیت اجتماعی بیشتر از طرفی دیگر یکی را انتخاب کنند. فشار بازار کار امکان شرکت فعال در امور اجتماعی و همزمان ظاهر شدن مثل والدین فعال برای بچه‌هایشان از زنان و مردان سلب می شود.

شکل و فرمهای تازه‌ای از رفتار تبعیض آمیز علیه زنان که دو باره تلاش میکنند مثل گذشته زنان را در نقشی که مردان مدتهاست تصمیم گرفته‌اند به عقب برانند و حقوق دستیافته زنان را باز پس بگیرند، رشد کرده اند. افزایش و تقویت کردن فضایی که جسم زن را صرفاً مثل وسیله‌ای برای ارضای جنسی مردان جلوه میدهد شدیداً زنان جوان را به دام میاندازد و روی کار و تحصیل آنها تاثیر منفی میگذارد و عواقب جدی بر شخصیت و انتخاب شغل و آینده آنها به جای خواهد گذاشت.

از طریق ارتقاء امکان پیشرفت برای زنان میتوان شیوه تفکری که تفاوت‌های اجتماعی بین زنان و مردان را با اختلافات طبیعی و بیولوژیکی توضیح میدهد را به تدریج عوض کرد. در این شرایط امکان بوجود آمدن و رشد جامعه‌ای انسانیت‌تر، با حقوق و وظایف برابر برای زنان و مردان در زندگی خانواده‌گی، در شغل و کار اجتماعی بوجود خواهد آمد.

بنابراین توضیح و توصیف دلایل تبعیضات جنسی بین زن و مرد صرفاً با اتکا به اختلاف و شکاف طبقاتی برای چپ امروز ابداعی نیست. چپ امروز باید فمینیست باشد.

## دمکراسی

عمدتاً شرایط زندگی انسان منفرد در جامعه تعیین و تامین می شود. روحیه همبستگی، همکاری و دمکراسی از نیاز انسانها برای تامین نیازمندیهای متقابل یکدیگر سر بر آورده است. همه باید حق تاثیر گذاری را روی مسائلی که از اهمیت مهمی در زندگی آنها برخوردار است، داشته باشند.

زندگی انسان منفرد را هرگز نمی توان با تصمیمات سیاسی هدایت کرد، اما سیاست بخش مهمی از امکانات واقعی و موجود انسانها را برای اینکه بتوانند روی زندگی خود تصمیم گیرنده و تاثیر گذار باشند، تشکیل می دهد. اینجاست که جامعه و فرد در پروسه ای دمکراتیک با هم ادغام میشوند.

میل، علاقه و اقتناع شهروندان وسیله تغییر جامعه است. دمکراسی پروسه ای است که در باره امور مشترک، نیاز و علایق شهروندان تصمیم گرفته میشود. پیش شرط دمکراسی سیستم چند حزبی در پارلمان و انتخابات همگانی است. اسم پارلمان هر چه باشد، مثلاً کنگره شوراهای منتخب مردم، در محتوی و کارکرد آن هیچ تاثیری نخواهد داشت. اما دمکراسی از تصمیم گیری جمعی و اجرایی تصمیمات فراتر است. دمکراسی یک جهانی است که بر پایه همه انسانها هم ارزشمند و یک انسان یک رای استوار است. همزمان در دمکراسی ضروری است که همه به حقوق دمکراتیک همدیگر احترام گذاشته، به سهم خود در قبال امور اجتماعی مسئولیت بپذیرد و تصمیمهای اخذ شده احترام گذاشته حتی اگر این تصمیمات خلاف علایق و آرزوهای فردی خود انسان باشد.

دمکراسی حق مطرح کردن و پیش بردن نقطه نظرات خود را به همه می دهد و در مقابل وظیفه به دیگران گوش دادن را از همه می طلبد.

دمکراسی اختلاف نظر و در مقابل همدیگر قرار گرفتن نظرات را غیر ممکن و ممنوع نمیدارد اما آمادهگی حل اختلاف را در شکلهای و فرمهای دمکراتیک و دور از خشونت از همه می طلبد. درجه و میزان کارکرد و پیشروی دمکراسی فقط توسط خود دمکراسی تعیین می شود. تمام قدرت در جامعه باید از همه انسانهای عضو جامعه نشأت بگیرد نه از اظهاراتی مثل قوانین حقوق طبیعی که بین سیاست و بازار مرز می کشد.

این مرز کشیدن نیز وظیفه خود دمکراسی است و از قبل تعیین شده، ازلی و ابدی و غیر قابل تغییر نیست. حقوق بشر مرزی است که هیچوقت تصمیمات سیاسی نباید از آن تجاوز کند و تنها دمکراسی است که میتواند حقوق بشر را تامین و حفظ کند. محافظت از استقلال فردی و حقوق اقلیتها بر ارزشهای دمکراتیک استوار است. همزمان دمکراسی بر تقسیم قدرت بنا می شود. تمرکز قدرت همشبه دمکراسی را تهدید می کند، صرف نظر از اینکه چه کسانی آن گروه صاحب قدرت را تشکیل میدهند. دمکراسی را باید از طریق گوناگون، در سطوح مختلف و مستقل از همدیگر بتوان به اجرا در آورد.

پروسه های دمکراتیک بر مبنای نیرو و تمایل شهروندان برای فعالیت اجتماعی، نیاز به خود ساختن، کسب معلومات و اطلاعات و تقبل مسیولیت مستقر می شود. این نیرو و نه بوسیله نیروهای تجاری و بازرگانی و نه بوسیله بورکراسی نهادهای اجتماعی و صدور قرار، بلکه فقط بوسیله خود انسانها آزاد خواهد شد. این نیروی آزاد شده از اعتقاد به فعالیت و تشکیلات خود شهروندان برای جنبشهای مردمی و تقبل مسئولیت مشترک نشأت می گیرد.

به دلیل ازدیاد جمعیت، ارزیابی و تصمیم‌گیری بر روی مسائل سراسری و محلی از طریق دخالی تک تک افراد و رای‌گیری مستقیم از آنها ممکن نیست، چون پروسه تصمیم‌گیری را بسیار پیچیده و کند خواهد کرد. بناچار این تصمیمات باید از جانب نمایندگان منتخب دوره‌ای مردم اتخاذ شوند. این پیچیده‌گی و کندی در دموکراسی غیر مستقیم را باید با راه انداختن بحث‌های زنده و مداوم در میان شهروندان جبران کرد.

پروسه دموکراتیک اداره جامعه بر قاعده‌های مثل نظارت و کنترل، رسمی و آشکار و علنی بودن تصمیمات، شفافیت و عدالت استوار است. رسانه‌های جمعی نقشی مهمی را در شکل دادن به افکار عمومی آزاد و رد و بدل آزاد اطلاعات و... را دارد. اما متمرکز شدن قدرت در رسانه‌های جمعی و ادغام شدن روزافزون شعبه‌های مختلف این رسانه‌ها در عرصه‌های مختلف باعث یکنواخت شدن برنامه‌های سرگرمی و تحمیل آنها به مصرف‌کنندگان غیر فعال شده است.

این پروسه باعث کاهش نقش فعال رسانه‌های عمومی در مباحث و مسائل اجتماعی شده است و غیرمستقیم باعث کاهش حق مشارکت، دخالت و تاثیرگذاری مردم بر واقعیات و سیاستها شده است.

دموکراسی اگر نتواند مشکلات و کمبودهای روزانه مردم را حل کند اعتماد شهروندان را از دست می‌دهد. قدرت اجرایی دموکراسی باید در مقابل گروه‌های که به دلیل امکانات پولی و مالی و یا گروه‌های که با توسل جستن به توانایی و معلومات تخصصی معتقدند که حق بیشتری از دیگران برای تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری بر سیاست را دارند، تقویت کرد.

به این خاطر باید شیوه کار و پروسه تصمیم‌گیری در درون سازمانهای سیاسی انترناسیونال بازبینی شود، بطوری که کنترل و نظارت مردم انتخاب‌کننده بر این سازمانها بیشتر شود.

این کار آماده‌گی برای تغییر شیوه کارهای قدیمی، برپاکردن موسسه‌های جدید در درون ارگانهای اجتماعی و احزاب سیاسی را می‌طلبد.

## اقتصاد دموکراتیک

تولید مدرن و بسیار پیچیده امروز با اتکا به تکنیک پیشرفته و سرمایه‌گذارهای کلان مالی ممکن است. برای پابرجا ماندن و حفظ ادامه‌کاری تولید چنین سرمایه‌گذارهای باید تا حدی سود آوری و بازدهی داشته باشد. به معنای اخص اقتصادی کلمه ذخیره و انباشت سرمایه غیر قابل اجتناب است.

اما مفهوم سرمایه در مباحث سیاسی از گذشته دور معنایی وسیعتر از معنای اقتصادی کلمه به خود گرفته است. این معنای سیاسی حاکی از یک سیستم قدرت است که در آنجا به گروهی یا کسانی که صاحب سرمایه‌اند حق داده میشود که روی تمام علائق دیگران تصمیم‌گیری کنند و اختیار و حقوق انسانها با توجه به میزان بازدهی و سودآوری اقتصادی آنها تعیین میشود.

این سیستم قدرت به غیر از صاحبان سرمایه از دیگران در عمل سلب آزادی میکند و بی عدالتیها و تنشهای اجتماعی عمیقی را در درون جامعه و بین کشورها بوجود می‌آورد و باعث اسخراج بی رویه منابع طبیعی می‌شود که زندگی نسلهای آینده را به خطر می‌اندازد.

در مقابل این تمرکز قدرت در دست سرمایه‌داران، اقتصادی که از خواست و نیاز مندیهای جامعه تبعیت کند قرار دارد.

نظام و سیستم اقتصادی که هر انسانی حق و امکان آنرا دارد که مثل عضوی از جامعه، مثل حقوق بگیر و مصرف کننده و ... روی جهت گیری تولیدات، توزیع، شرایط و سازماندهی کار تاثیر بگذارد. شکل و شیوه های تاثیرگذاری میتواند شکلهای متنوعی از مالکیت و سرمایه‌گذاری را دربر گیرد.

توجه جدی به محیط زیست سالم در همه سیاستها تولیدی ضروری است. در تولید به کار همه احترام گذاشته میشود و مشوق دخالت و کار فعال همه است. نتیجه و حاصل کار به شیوه‌ای عادلانه تقسیم خواهد شد. این نظم تولیدی متضاد و مخالف با سرمایه‌گذاری خصوصی نیست.

تولید مدرن بر این مبنا استوار است که تولید باید بازدهی داشته باشد و سودآور باشد. به شرکتهای اداره کننده و مدیران شرکتهای با دید مثبت و مثل یکی از گروههای فعال و مهم در حیات اقتصادی می‌نگرد. از زدن مهر و برجسبهای منفی، قضاوت و ارزیابی از قبل تعیین و انتخاب شده صرفا به جرم موقعیت کلیدی آنها در بازار کار و اقتصاد جدا خودداری می‌شود مگر اینکه آنها در عمل در جهت خلاف حسن نیت و اعتماد جامعه حرکت کنند و از قدرت تفویض شده به آنها سوء استفاده کنند.

به اقتصاد بازار آزاد مثل بخش مهمی از نیروی پیش برنده اقتصاد در جامعه نگریسته می‌شود. اما اجازه داده نخواهد شد که سودآوری شخصی و خصوصی مافوق نیازمندیهای سایر اعضای جامعه قرار گیرد. از این که بازار نرمها و نیازمندیهای اجتماعی را تعیین کند جلوگیری می‌شود. در تضاد اجتناب ناپذیر کار و سرمایه از نیاز و علایق کارگران دفاع میکند. اقتصاد دمکراتیک همیشه علیه سرمایه‌داری که میخواهد قدرت اقتصادی را در جامعه حفظ کند ایستاده‌گی خواهد کرد.

جامعه دمکراتیک همیشه از حق و تو و برتر برای تعیین شرایط و محدودیتهای اقتصادی، تغییر دادن شرایط و شیوه نوعی از سازماندهی کار و تولید که جوابگوی نیازهای جامعه نیست، بر خوردار خواهد بود. علایق و خواستههای اقتصادی به هیچ وجه نباید دمکراسی را محدود کند بلکه بر عکس دمکراسی همیشه مرزهای بازار و اقتصاد را تعیین خواهد کرد و در مقابل تجارتي کردن روابط اجتماعی، فرهنگی و ارزشهای انسانی را خواهد گرفت.

دمکراسی، رفاه اجتماعی را با شیوه تولیدی مفید و موثر در اقتصاد جامعه ترکیب خواهد کرد. تولید غیر موثر و بوجود آوردن کار و اشتغال ظاهری و تصنعی به معنی معاوضه نامناسب کار مفید انجام شده در گوشه‌های دیگر از جامعه است و باعث کمتر شدن حاصل و نتیجه کار خواهد شد و به رفاه اجتماعی آسیب خواهد رساند و اعتماد به دمکراسی را کاهش خواهد داد.

تجارب نشان داده است که تولید مفید و موثر احتیاج به فضای باز و آشکار سیاسی و تنوع در آراء و عقاید دارد. این شیوه تولید از مصرف کننده بطور مستقیم متاثر خواهد شد و به توانایی، عقاید و فعالیت کارکنان احترام می‌گذارد، شرایط را برای به تحقق رساندن عقاید اعضای جامعه و بر پاکردن شرکتهای تولیدی و خدماتی جدید فراهم میکند.

باید در شکلهای و سطوح مختلف بر اقتصاد تاثیر گذاشت. همه خواست و نیازهای متنوع اقتصادی را تنها با تصمیمات سیاسی و یا فقط اداره بازار آزاد فراهم نخواهد شد. توازن و بالانسی لازم است که عبارت است از ترکیبی از اقدامات اجتماعی و مکانیزمهای بازار، تشکل و اتحادیه‌های قوی و مصرف کننده‌گان هوشیار و فعال که به قانونگذاریهای قوی و مدافع مصرف کننده متکی است.

تصمیم سیاسی برای تعیین کردن قوانین بازی و جلوگیری از استخراج بی رویه منابع و معادن، تامین توازن اقتصادی و توزیع عادلانه حاصل تولید به طوری که حقوق اجتماعی تامین شود، لازم است. بازار برای تولید و باز تولید نیازمندیهای رفاه اجتماعی به شیوه‌ای مفید و موثر لازم است.

سرمایه‌داری و بازار آزاد را باید از همدیگر تفکیک کرد.

اقتصاد بازار آزاد سیستمی توزیعی است که در آنجا کالاها، سرویس و خدمات به کمک پول، مثل ارزش مبادله‌ای، صاحب و مالک عوض می‌کنند.

سرمایه‌داری سیستم قدرت است با برسمیت شناختن حق برتر برای سرمایه مثل نرم و فاکتوری مافوق فاکتورهای دیگر دخیل در اقتصاد جامعه.

مکانیزم قیمت در بازار معاوضه کالاها، سرویس و خدمات خصوصی مثل علامت مشخص و سیگنال سریع و روان بین تولید کننده و مصرف کننده عمل می‌کند. شرکتهای جدید وقتی که به نیاز و تقاضای مصرف کننده جواب میدهند می‌توانند سریع رشد کنند. رقابت بین شرکتهای آزادی انتخاب مصرف کننده را بیشتر تامین میکند.

بازار از تعداد زیادی دست اندرکار فعال و مستقل تشکیل شده که فضا و میدان وسیعی را برای ایده‌های زیاد و گوناگون برای بوجود آوردن امکانات اقتصادی را فراهم میکند. اما تمایل و گرایش قوی و درونی بازار به تمرکز برای کم کردن تعداد رقیبان و کم کردن آزادی انتخاب مصرف کننده گان و از این طریق کسب سود هر چه بیشتر با تنوع و تعداد هر چه بیشتر فعالین در بازار که پیش شرط بازار آزاد است در تضاد و تناقض قرار دارد. به این خاطر بازار نمی‌تواند آزادی و ادامه‌کاری خود را حفظ کند و پا بر جا بماند.

مکانیزم قیمت، که بازار بوسیله آن کار می‌کند، نمی‌تواند قوانین بازی پایداری را که کارکرد خوب بازار این قوانین را می‌طلبد تامین کند. تنها ارگانهای اجتماعی مستقل از بازار می‌تواند چنین قوانینی را وضع و حفظ کنند. به کمک چنین قوانینی میتوان رقابت را در بازار به نفع مصرف کننده گان که کل جامعه را در بر می‌گیرد حفظ کرده و در مقابل گرایش به تمرکز و انحصار طلبی در بازار که به مکانیزم قیمت صدمه میزند، ایستاد.

مکانیزمهای بازار نمی‌تواند چیزهای مثل هوا و آب را که قیمتشان در بازار تعیین نمی‌شود را به شیوه ای صرفه جویانه اداره کند. برای این کار تصمیمات سیاسی عمدتاً بین المللی و اقداماتی مثل عوض کردن پرنسیپها و شیوه‌های مصرف به شیوه‌های صرفه‌جویانه و کم کردن ریخت و پاش نزد مصرف کننده گان را لازم دارد.

بنابراین بازار فقط بخشی از اقتصاد را تشکیل می‌دهد و باید جوابگویی آرزو و نیازهای مردم که به صورت درخواست و تقاضای قوی در جامعه مطرح می‌شوند باشد. سودمندیهای و نیازهای عمومی مثل مدارس و دانشگاه، بهداری و خدمات درمانی، مواظبت از سالمندان، قوه قضائی، فرهنگ، مسکن با استاندارد روز، ارتباطات اعم از جاده

و راه‌آهن و شبکه‌های تلفنی اینترنت و سایر امور زیر بنای جامعه، باید شامل حال همه صرف‌نظر از میزان در آمدشان باشد و باید از پرینسیپ توزیع در بازار آزاد مسننتی باشد. انتخاب و ایجاد توازن بین اقدامات اجتماعی-اقتصادی از طرفی و بازار آزاد از طرف دیگر باید بر مبنای کسب سودمندی و نتیجه هر چه بهتر و عادلانه‌تر برای کل جامعه باشد. بنا به خواست و نیازی که بخشهای مختلف اقتصادی تامین می کنند انتخاب بین اداره آنها از طریق دولت یا بازار آزاد میتواند عوض شود. توزیع را میتوان بر مبنای تامین نیازهای اولیه برای همه، تغییر داد.

تجارب بشری تاکنون بن بست بنیادگرایی اقتصادی را از چپ و راست که تنها یک شیوه مالکیت ( اجتماعی دولتی یا خصوصی) را پیش شرط جامعه ای خوب می دانند به وضوح نشان میدهند.

عصر تعیین کننده به هیچوجه شکل ظاهری و بیرونی مالکیت نیست بلکه چگونگی رسیدن فعالیتهای اقتصادی در جامعه است. بشریت در جهان و خصوصا در غرب و شرق اروپا هر دو شکل مالکیت را سالها تجربه کرده و اکنون فاکت و اتفاقات رخ داده شده بهتر از هر تئورپردازیهای در موافقت و یا مخالفت این یا آن مدل به ما تجربیهای تلخ و گرانبهایی در شرق اروپا و تجارب نسیتا موفقی در غرب اورپا داده است. کارگران در اروپای غربی بجای احساسات از علم، عقل و منطق بازی در امکانات موجود و بجای خشونت از راه انداختن بحث و مذاکره در تمام سطوح جامعه استفاده کرده‌اند که توانسته‌اند گام به گام و تدریجی اما بطور مداوم پیشروی کنند. اما ذکر نکاتی مثبت از عواقب انفجارات اجتماعی غیر قابل کنترل در تمام بلوک شرق، چین و ایران بسیار مشکل است.

اروپای غربی به یمن فعالیت اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ و سوسیال دمکرات خصوصا در شمال اروپا مدل اقتصاد دمکراتیک را بکار گرفته‌اند. اقتصاد دمکراتیک اقتصادی فارغ از تقابل علایق گوناگون، مشکلات و خواست و نیاز به تنظیم و تدقیق دوباره نیست. اما اقتصاد دمکراتیک بیشتر و بیشتر از میزان سوء استفاده از انسانها و منابع طبیعی کاسته و خواهد کاست. اقتصادی است که علایق گوناگون محتاج به همدیگر با هم همکاری میکنند و سرمایه تحت تسلط دمکراسی است. اقتصاد دمکراتیک به کسانی در مقابل تغییرات و سوانح جدی قرار میگیرند امکانت و پشتیبانی لازم را می دهد که خود را دوباره با شرایط تازه منطبق کنند.

میزان دمکراتیک بودن اقتصاد هم مثل تمام پدیده های دیگر اجتماعی مطلق و غیر قابل تغییر نبوده و نخواهد بود بلکه بنا به میزان آگاهی و آمادگی و تمایل مردم بطور عام و کارگران بطور خاص برای گرفتن و محافظت از حقوق خود بستگی دارد.

برقراری و ادامه حیات و پیشرفت اقتصاد دمکراتیک کاری یکبار برای همیشه نبوده و نخواهد بود. به همان اندازه که کارگران و مردم از گرفتن و حراست از حقوق خود غفلت کننده طرف مقابل همیشه حاضر در صحنه سهم آنها را خواهد خورد. تضمین حقوق با غم خواری و دلسوزی، پند، اندرز، نصیحت و تمنا میسر نیست، بلکه حاضر بودن قوی و آگاه در صحنه و مطلع از قوانین تازه بازی که همراه با تغییرات دیگر در بازار و جامعه این قوانین نوشته نشده و بعضا نامرئی سریعا تغییر میکنند، ضرورتی اجتنابناپذیر است. "طرف مقابل" در دنیای امروز الزاما چند خانواده ثروتمند و سرمایه‌دار نیستند بلکه میتواند تعدادی از همکاران خودمان که با شریکی صاحب سرمایه و یا صاحب کار سهم ماها (که از کسب، حفظ و حراست حقوق خودمان غافلیم) به نوعی بین خود تقسیم می کنند، باشند.

کشورهای که اقتصاد دموکراتیک دارند بهبود نیستند اما مردم برای گرفتن حقوق سیاسی و اقتصادی خود نه تنها زندان، شکنجه و اعدام نمی شوند بلکه اگر بخواهند امکانات بسیار وسیعی در اختیار دارند. اقتصاد دموکراتیک بر مبنای حق همه انسانها که همزمان در ایجاد رفاه دخیل باشند و از رفاه بهرمنند شوند استوار است.

مارس 2007. ادامه دارد.